

بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده‌ها

محمد رحیمی^۱، عالیه شکرپیگی^۲، باقر ساروخانی^۳، زهرا حضرتی صومعه^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۰۸

چکیده

افزایش تغییر و تحولات در حوزه خانواده یکی از چالش‌های اساسی خانواده در عصر کنونی است. پژوهش حاضر، به تبیین جامعه‌شناختی تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران با تکیه بر گرایش زوجین به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر اساس نظریه‌های گیدنز، هابرماس، برگرو و لاکمن، کاستلز، والدهال و کلایپر، تامپسون، نای و نظریه کاشت گربنر پرداخت. در این مطالعه که به روش پیمایش انجام شد، با کمک رویکردهای نظری درباره خانواده و نیز پژوهش‌های موجود، ابعاد اصلی تغییرات خانواده در شهر تهران شناسایی و شاخص‌هایی برای سنجش آن پیشنهاد شد. تعداد ۴۰۰ نفر نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و سهمیه‌ای از بین زوجین ساکن در منطقه یک شهر تهران (به تعداد ۱۱۲۹۸۶ نفر) انتخاب شدند. از طریق پرسش‌نامه هدایت شده، اطلاعات جمع‌آوری و با نرم‌افزار spss تحلیل شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین زوجین کاربر و غیرکاربر شبکه‌های اجتماعی مجازی از نظر سست شدن پیوندهای خویشاوندی، گرایش‌های انزواجویانه، عدم پایبندی به تعهدات زناشویی، سردی روابط و بی‌اعتمادی زناشویی وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر، نشانه آن است که در مجموع ۶۴٪ تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران بستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی دارد.

واژگان کلیدی: شبکه‌های اجتماعی مجازی، تغییرات خانواده، پایگاه اقتصادی-

اجتماعی، روابط زناشویی، زوجین.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: m.rahimi5564@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. Email: ashekarbeugister@gmail.com

۳. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. Email: saroukhani@yahoo.com

۴. استادیار جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تارکستان، تارکستان، ایران. Email: Hazrati14@yahoo.com

خانواده در دهه‌های اخیر با تحولات و تغییرات گوناگونی مواجه بوده است. امروزه، به نحو آشکاری الگوی «خانواده قدیمی»، دگرگون شده و «خانواده جدید» متولد شده است. ظهور تکنولوژی‌های نوین ارتباطی در عصر حاضر و تحولاتی که در فضای مجازی به وجود آمده است، بسیاری از کارکردهای خانواده را دچار اختلال کرده است. یکی از محورهای مهم آسیب‌شناختی خانواده، بررسی آسیب‌های ناشی از تحولات خانواده است؛ تحولاتی که منشأ بروز دگرگونی‌هایی عمیق و اساسی در نوع روابط و ارزش‌های خانوادگی می‌باشند. بسیاری از این تحولات و دگرگونی‌ها از بیرون بر خانواده تحمیل می‌شود. از زمانی که شبکه‌های اجتماعی مجازی وارد فضای زندگی انسان شده، دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را بر خانواده‌ها تحمیل نموده است.

مطابق برآوردهای جهانی درباره آمار کاربران شبکه‌های اجتماعی، ضریب نفوذ اینترنت در ایران در تیرماه ۱۳۸۹ بیش از ۴۳٪ بوده است که به طور قطع این ضریب در شهر بزرگی مانند تهران که اغلب خانواده‌ها به اینترنت دسترسی دارند، بسیار بالا است. رشد این ضریب در ده سال گذشته در ایران تصاعدی بوده است و انتظار می‌رود که در سال‌های آینده نیز تشدید شود. همچنین نتایج مطالعات سازمان ملی جوانان (۱۳۸۹، ۱۳۸۴، ۱۳۸۱، ۱۳۷۶) نشان می‌دهد که بیشترین تعداد کاربران اینترنتی را جوانان ۱۸ تا ۲۸ ساله تشکیل می‌دهند و میزان استفاده آنها از اینترنت ملی در سال‌های اخیر رو به افزایش بوده است. (دکایی، ۱۳۸۳)

امروزه همه فعالیت‌های فردی و اجتماعی در حال انتقال به فضاهای مجازی است. برای حضور و فعالیت در فضای مجازی، افراد محدود به مکان نیستند و در هر جا و در هر زمان این حضور میسر است. به طور فزاینده‌ای مدت زمان نسبتاً زیادی از اوقات فراغت افراد صرف این شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌شود و سبک زندگی آنها شامل رفتارها، نگرش‌ها و نظرات و دیدگاه‌های آنها تحت تأثیر این شبکه‌های اجتماعی مجازی تا حد زیادی تغییر کرده است. ارتباط به وسیله شبکه‌های اجتماعی مجازی فراغت را تغییر داده و تأثیر زیادی بر روابط افراد به ویژه روابط زناشویی گذارده است. به عبارت دیگر استفاده روزافزون از این فضا و آشنایی با فرهنگ‌ها و مردم دیگر، باعث ایجاد خرده فرهنگ‌های منحرف شده است.

از نکات مورد توجه در گسترش استفاده از فضای مجازی، آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن است. همزمان با پیدایش این فضای بی‌زمان و بی‌مکان، آسیب‌ها و تهدیدهای ناشی از آن در خانواده نیز شروع به خودنمایی کرده است و خانواده‌ها به ویژه زوجین که بخشی از کاربران شبکه‌های اجتماعی‌اند از این تأثیر، دور نیستند. با وجود تحولات سریع فضای مجازی و گستردگی آن، پژوهش‌های انجام شده در مورد آثار و پیامدهای گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در حوزه خانواده بسیار اندک است. بیشتر پژوهش‌ها از منظر آسیب‌شناختی به مطالعه آثار زیان‌بار جسمی استفاده از فضای مجازی پرداخته‌اند و کمتر رویکرد جامعه‌شناختی دارند. همچنین پژوهشی که به بررسی رابطه گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در حوزه خانواده و در بین زوجین بپردازد، انجام نشده است. با این وجود نتایج پژوهش‌های اندکی که در حوزه تحولات خانواده صورت گرفته، قابل توجه است.

از جمله آزاد ارمکی و شکوری (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «مدرنیته و خانواده تهرانی» به بررسی ارتباط بین مدرنیته و تحولات خانواده طی سه نسل، به طور کلی و چگونگی و نوع تغییرات در درون خانواده تهرانی، به طور اخص، پرداخته‌اند. تحلیل یافته‌های این پژوهش، که با بهره‌گیری از نظریه «کارکردگرایی ساختی پارسونز» و نظریه «تغییرات فرهنگی اینگلههارت» انجام گرفته، حاکی از آن است که خانواده تهرانی در جریان تغییرات اساسی قرار دارد، نسل‌های سه‌گانه در درون خانواده به لحاظ وضعیت تحصیلی، شغلی و آرزوها متفاوت‌اند و تغییرات انجام شده در بعضی از عناصر ساختاری خانواده طی سه نسل با حرکت از ارزش‌های مادی به سمت فرامادی صورت گرفته است.

تأثیر فضای مجازی محدود به خانواده نیست، چنانچه در پژوهش دوران (۱۳۸۱) مشخص شد که حضور فرد در فضای مجازی برگرفته از حضوری غیر از هویت فردی او در اجتماع است که به منزله‌رهایی از نقش اجتماعی که در محیط حقیقی برای خود در نظر دارد، می‌باشد. امید علی احمدی (۱۳۸۹) در بررسی تجربی «تحولات معاصر خانواده در شهر تهران» تنوع ساختاری، کاهش نقش حمایت‌گری شبکه خویشاوندی، فردگرایانه شدن ازدواج، گسترش روابط پیش از ازدواج، افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی، کاهش گفتمان

خانواده‌گرایی، افزایش آسیب‌ها و اختلالات خانوادگی، افزایش مناسبات جنسی بیرون از خانواده، کاهش کارکردهای خانواده و در نهایت کاهش اهمیت فرزندآوری ناخواسته را از روندهای روبه‌گسترش در زندگی خانوادگی تهرانی‌ها بیان می‌کند. این روندها به نوعی انواع دگرگونی‌ها در زندگی خانوادگی تهران است. علی‌احمدی (۱۳۸۹) برخی از این تحولات را با شواهد و داده‌های تجربی مستند نشان داده است، اما در کل مطالعه او بر نشان دادن دقیق این تحولات متمرکز نشده است. همچنین مطالعات بری ولمن و کوان هاس (۱۳۸۵) در خصوص اثرگذاری رسانه بر شکل‌گیری هویت نشان داد که تأثیرات رسانه در رفتار و ایدئولوژی انعکاس داده می‌شود که این به نوبه خود هویت اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در این پژوهش هویت به عنوان یک فرآیند پویا در نظر گرفته می‌شود که تحت تأثیر رسانه‌ها شکل خاصی به خود می‌گیرد.

عرب انصاری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در فروپاشی بنیان خانواده پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش این محققین نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای، آثار و تبعاتی مثل آسیب‌های روانی، ترویج روابط آزاد، القای شبهات دینی، تأثیر در روابط زوجین، حیازدایی، نقض حریم خصوصی، تأثیرهای سوء رفتاری، خودشیفتگی، آسیب‌های جسمانی و بلوغ زود هنگام روان‌شناختی بر فرد و به دنبال آن بر بنیان خانواده دارد. رابرت کراوت (۱۹۹۸) نیز در تحقیقی درباره تناقض‌گویی اینترنت به این نتیجه رسید که فن‌آوری اینترنت، مشارکت اجتماعی و سلامت روانی را کاهش می‌دهد. کراوت (۱۹۹۸) دریافت که استفاده از اینترنت برای برون‌گرایان یا آنان که از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند، دستاوردهای بهتری (درآمد بیشتر، افزایش اشتغال در اجتماع و عزت نفس و همچنین کاهش تنهایی، احساس منفی و فشار زمان) دارد، اما برای درون‌گرایان یا آنان که از حمایت اجتماعی کمتری برخوردارند، دستاورد بدتری دارد. برای بزرگسالان و نوجوانان تقریباً فواید متفاوتی در بردارد؛ برای بزرگسالان با افزایش تعاملات رو در روی محلی و نزدیکی‌شان به دوستان و بستگان دور همراه است. جوینسون (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به دنبال این هدف که چه چیزی در سایت‌های مورد نظر وجود دارد که شخص را تحریک به ماندن در فضای شبکه می‌کند، اقدام به مصاحبه با

کاربران شبکه‌ها نموده و خصوصیات شخصی، باورها، ارزیابی رفتار، نیازها و عوامل انگیزشی را شناسایی کرده است. این مطالعه تعیین نمود که حفظ تماس دلیل اصلی استفاده افراد از فیسبوک است. با توجه به اینکه در ایران تحقیقات اندکی در زمینه تغییر و تحولات خانواده انجام گرفته است، پژوهش حاضر می‌تواند در زمینه شناسایی و به کارگیری شاخص‌های سنجش وضعیت و دگرگونی خانواده و مطالعه علمی آن مؤثر باشد و پیش‌بینی‌هایی درباره وضعیت تحول خانواده از جنبه‌های مختلف ساختاری، اشکال اعتقادی، اشکال ارتباطی، اجتماعی و کارکردی ارائه دهد. از طریق جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای شاخص‌های ساخته شده، می‌توان موضوعاتی نظیر ساختارهای خانواده، تشکیل و زوال خانواده، خشونت خانگی، نقش‌ها و مسئولیت‌ها، انواع خانواده، شناسایی خانواده‌های پرمسئله، نیازهای خانواده، منابع خانواده، حمایت‌های خانوادگی، ارتباطات میان اعضای خانواده و روابط عاطفی میان آنها را هم از بعد درونی و هم در ارتباط با سایر نهاد‌های اجتماعی، در اختیار محققان و سیاست‌گذاران قرار داد. (قاراخانی، ۱۳۹۴)

براین اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران رابطه وجود دارد؟ و چه میزان از تغییرات جاری از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی تبیین می‌شود؟ به دنبال بررسی سؤالات فوق، فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت:

- بین متغیرهای مستقل زمینه‌ای (پایگاه اقتصادی - اجتماعی، جنسیت) و متغیر وابسته (تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران) تفاوت معناداری وجود دارد.

- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و عدم پایبندی زوجین به تعهدات زناشویی رابطه معناداری وجود دارد.

- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط بین زوجین رابطه معناداری وجود دارد.

- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش‌های انزواجویانه زوجین

رابطه معناداری وجود دارد.

- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و بی‌اعتمادی زناشویی زوجین رابطه معناداری وجود داشته باشد.

- متغیرهای مستقل زمینه‌ای (پایگاه اقتصادی- اجتماعی) و متغیرهای مستقل اصلی (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی مثل تلگرام، اینستاگرام، لاین، تانگو، وایبر، فیسبوک، واتس‌اپ، گوگل پلاس، بی‌تالک، ایمو، اسکایپ)، بر متغیر وابسته (تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران) تأثیر معناداری دارد.

۲. چارچوب نظری و مدل مفهومی پژوهش

نخستین گام برای درک تحولاتی خانواده ارائه چارچوب نظری مناسب در این مورد است. تحقیق حاضر سعی بر این دارد که در بررسی موضوع مورد مطالعه از تئوری‌های تلفیقی بهره گیرد؛ چرا که با یک نظریه خاص نمی‌توان تغییرات خانواده را تحلیل کرد. از این رو، اساس این پژوهش بر نظریه «از جا کنندگی گیدنز»^۱ در حوزه عمومی و کنش ارتباطی^۲، نظرات هابرماس در زمینه «گفت‌وگو»، «جامعه‌شناسی - شناخت برگرو لاکمن»^۳، «اثر محدود رسانه‌ای والد هالو کلایپر»^۴، «تعامل رسانه‌ای تامپسون»^۵، «مبادله اجتماعی نای»^۶، «نظریه کاشت»^۷ و نیز «ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای در آراء کاستلز»^۸ متکی است.

۱-۲. تئوری‌های تبیین‌کننده متغیرهای مستقل اصلی (استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی) شبکه‌های اجتماعی مجازی تا حدودی شرایط حوزه عمومی مورد نظر هابرماس^۹ را دارد. حوزه عمومی هابرماس عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و کنش ارتباطی از طریق بیان و گفت‌وگو تحقق می‌یابد. (آزادارمکی، ۱۳۸۳) بنابراین، محیط تعاملی شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان فضایی در نظر گرفت

1. Giddens Disembedding Theory
2. Communication Action Theory
3. Berger & Luckmann Sociology of Knowledge Theory
4. Valldhal & Klapper Limited Effects Theory
5. Thompson Mediated interaction Theory
6. Nie Social Exchange Theory
7. Cultivation Theory
8. Castells Network Society characteristics
9. Habermas

که کاربران به راحتی در آن به گفت‌وگو می‌پردازند که فضای صمیمیت و ابراز احساسات در محیط‌های تعاملی شبکه‌های اجتماعی مجازی شکل می‌گیرد که از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند، کاربران نیازهای خود را باهم در میان گذاشته، مسائل و مشکلات خود را مطرح می‌کنند و انرژی عاطفی خود را در این محیط‌ها مصرف می‌نمایند که این تخلیه انرژی می‌تواند بر ارزش‌های خانواده مؤثر باشد.

به اعتقاد کاستلز، رسانه‌های جدید نهاد خانواده‌ها را در معرض تغییرات اجتماعی و فرهنگی قرار داده است. از نظریه وی، جامعه شبکه‌ای تمام دامنه‌های زندگی اجتماعی را در بر گرفته و در چنین جامعه‌ای، افراد همواره در حال ارتباط با یکدیگرند تا ساختار اجتماعی را بهبود بخشند. (کاستلز، ۲۰۰۷) به عقیده کاستلز، شبکه‌ای شدن جامعه امروز معنای همه چیز و هر چیزی را مورد بازاندیشی قرار داده و مفاهیم تازه‌ای را ایجاد کرده است. اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و حتی مفاهیم عام‌تری همچون مکان و زمان در در این فرآیند دگرگون شده یا همچنان در حال دگرگونی است و معانی و تعاریف نو و جدیدی به خود گرفته‌اند (عاملی، ۱۳۸۸). نظریه جامعه شبکه‌ای تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی را بر همه ابعاد زندگی نشان داده و مطرح می‌کند که چگونه شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب تغییر سبک زندگی افراد می‌شوند. با توجه به نظریه والدهال^۱ و کلپر^۲ می‌توان مدت زمان استفاده، طول مدت دسترسی و مداومت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی را متغیرهای مستقل برای بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر بروز آسیب‌های اجتماعی نوظهور در خانواده در نظر گرفت؛ زیرا هر کدام از این عوامل باعث کاهش روابط درون خانواده و در نهایت کاهش ارزش‌های آن می‌شود (ویندال، ۱۳۸۵).

شبکه‌های اجتماعی مجازی سه موقعیت تعاملی مورد نظر تامپسون (۱۳۸۰) یعنی، «تعامل چهره‌به‌چهره، تعامل رسانه‌ای و شبه‌تعامل رسانه‌ای» را تغییر داده است. فضای مجازی تعاملات واسطه‌ای و شبه‌تعاملات واسطه‌ای، جایگزین تعاملات چهره‌به‌چهره می‌شود، ظهور اجتماعات مجازی باعث اضمحلال و زوال اجتماعات واقعی خواهد شد و اجتماع حقیقی تغییر شکل داده، جای خود را به نوع تازه‌ای از زیست خواهد داد. از نظر

تامپسون (۱۳۸۰) شبکه‌های اجتماعی مجازی بستری است که در آن کنشگران با هویت‌های مختلف با هم در تعامل‌اند. از این رو، تغییرات مهمی در حوزه نگرش و الگوهای ذهنی افراد ایجاد می‌کند. پاتنام نیز تغییرات و رشد روز افزون تکنولوژی و فناوری رسانه‌ها، به ویژه افزایش سرگرمی‌های تلوزیون را منبع اصلی تن‌آسایی می‌داند. وی رسانه‌های اجتماعی را مجرم اصلی در انزوای تدریجی آمریکایی‌ها و تحلیل سرمایه اجتماعی می‌داند که موجب قطع جریان اجتماع می‌شود. از نظری، فناوری نقش اساسی در خصوصی شدن فرآیندها تجربه دارد که به سهم خود به شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق و بی‌سامان منجر می‌شود؛ جامعه‌ای که در آن حفظ روابط سنتی و خانوادگی بسیار دشوار است و روابط انسان‌ها متزلزل می‌شود. این موضوع به صورت فرآیندهای در میان نسل جوان رو به رشد است (ساروخانی، و شکرپیگی، ۱۳۹۳).

بر اساس تئوری کاشت (که تئوری مورد نظر پژوهش حاضر است) شبکه‌های اجتماعی مجازی در شکل دهی به عقاید، نگرش‌ها، آداب و رسوم و رفتارهای انسان تأثیری اساسی دارند، به نحوی که می‌توانند این مقولات را نزد افراد جامعه بازتعریف کنند؛ زیرا از نظر تئوری کاشت، استفاده از رسانه همگانی از جمله شبکه‌های اجتماعی مجازی، تأثیری مهم در میزان شکل‌گیری نگرش نوین در کاربران دارد. بر پایه این تئوری به هر میزان که افراد ساعات بیشتری را در معرض پیام‌های رسانه‌ای باشند، این رسانه‌ها تأثیر عمیق‌تری در نگرش‌ها و باورهای آنان خواهد گذاشت. نظریه کاشت بر آثار تدریجی و دراز مدت رسانه‌ها بر شکل‌گیری تصویر ذهنی مخاطبان از دنیای اطراف و مفهوم‌سازی آنان از واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند.

۲-۳. تئوری‌های تبیین‌کننده متغیر وابسته (تغییرات جاری در حوزه خانواده در بین زوجین)
گیدنز (۱۳۸۳) تغییرات در حال وقوع در کشورهای در حال توسعه را ناشی از تأثیر صنعت و زندگی شهری و تفوق خانواده هسته‌ای می‌داند. وی تغییرات عمده خانواده را در محورهای زیر معرفی می‌کند:

- از دست دادن نفوذ گروه‌های خویشاوندی به هم پیوسته؛
- رواج روند انتخاب آزادانه همسر و کاهش ازدواج‌های تنظیم شده؛

- افزایش حقوق زنان هم از نظر حق انتخاب در ازدواج و هم تصمیم‌گیری در خانواده؛
- کاهش نقش گروه خویشاوندی یعنی، عامل سازمان دهنده روابط زناشویی؛
- رشد آزادی‌های جنسی؛
- گسترش حقوق کودکان؛

- تبدیل شدن خانواده به مثابه مجموعه‌ای از ارتباط‌های عاطفی و نه واحدی اقتصادی؛

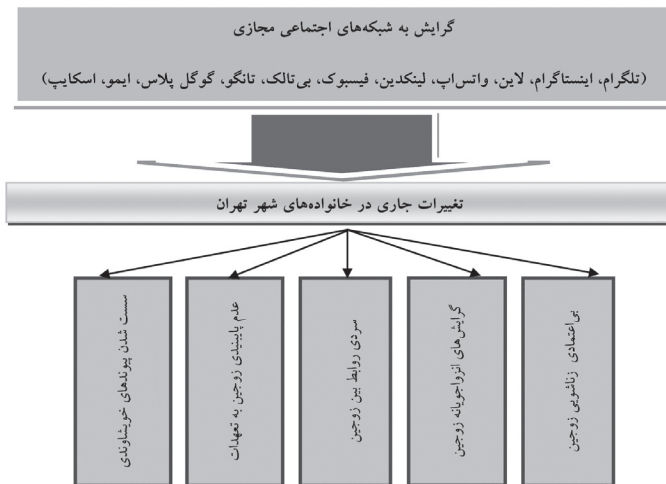
- تغییر نگرش نسبت به انتظارات از نقش‌های زن و مرد متأثر از معرفت «بازاندیشانه».

برگروهمکارانش نیز با بررسی و تحلیل رابطه بین مدرنیته و تغییرات چارچوب‌های شناختی و به دنبال آن واقعیت‌های اجتماعی، به این نتیجه رسید که تفاوت چشمگیر و عظیمی بین سنت و جهان مدرن وجود دارد. آنها معتقدند که انسان به حکم انسان بودنش از زیستن در یک جهان یعنی، واقعیتی است که به زندگی معنا می‌بخشد ناگزیر است و زیست جهان در صدد بیان همین ویژگی بنیادی هستی انسانی است. همچنین فهم زیست جهان برای تحلیل جامعه شناختی موقعیت‌های انضمامی، بسیار مهم است. (برگر، ۱۳۵۷)

از دیدگاه نظریه مبادله اجتماعی نای^۱ روابط بین زن و شوهر نیز نوعی مبادله است که از ابتدای زندگی شروع می‌شود. اگر حقوق متقابل آنها را پاداش و هزینه بدانیم، زندگی آنها بر مدار مبادله متقابل جریان می‌یابد. از طرف دیگر عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله و در نهایت به گسست روابط متقابل زوجین منجر می‌شود. (ریاحی، ۱۳۸۶) بر اساس این نظریه، هرچه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کمتر باشد (به طور واقعی یا خیالی) و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیشتر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، او خود را در مقام یک فرد زیان دیده می‌بیند که پایان دادن به رابطه زناشویی یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیشتر است.

شکل شماره ۱: مدل نظری رابطه بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در

خانواده‌های شهر تهران



۳. شیوه اجرای پژوهش

۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی از نوع همبستگی (یا روش همخوانی مبتنی بر روش تحقیق پیمایشی) انجام شد. به دلیل نوع روش مطالعه و تنوع و تعدد متغیرهای پژوهش از تکنیک مصاحبه کتبی یا پرسش‌نامه براساس طیف لیکرت در قالب روش میدانی یعنی، مشاهده مستقیم پنهان‌نگار استفاده شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، از آزمون‌های آماری مناسب با هر یک استفاده شد. به این ترتیب که برای بررسی رابطه بین متغیرهای اسمی - فاصله‌ای در دو گروه مجزا از آزمون آماری t مستقل و در بیش از دو گروه مجزا از آزمون آماری f مستقل و برای بررسی رابطه بین متغیرهای فاصله‌ای - فاصله‌ای از آزمون آماری پیرسون استفاده شد. همچنین از رگرسیون چندگانه برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران) استفاده شد. داده‌ها با نرم‌افزار spss نسخه ۲۳ مورد پردازش قرار گرفت.

۲-۳. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زوجین منطقه یک شهر تهران بود که براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ تعدادشان ۱۱۲۹۸۶ نفر برآورد شده است. به دلیل بزرگی حجم جامعه و محدودیت‌های دسترسی به کل جامعه از روش تاباچینگ و فیدل (۲۰۰۱) برای برآورد حجم نمونه استفاده شد. میزان حجم نمونه ۳۶۰ نفر برآورد گردید که با بیش برآورد، نمونه‌ای به تعداد ۴۰۰ نفر (۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابتدا فهرستی از محله‌های موجود در خوشه‌ها به کمک نقشه شهری تهیه شد، سپس از خوشه‌های نمونه‌گیری شده و از واحدهای درون این خوشه‌ها با شیوه نمونه‌گیری سهمیه‌ای، نمونه‌ها انتخاب شدند.

۳-۳. ابزار پژوهش

۱-۳ پرسش‌نامه محقق ساخته برای سنجش تحولات جاری خانواده

در این تحقیق از پرسش‌نامه محقق ساخته (۶۶ سؤال) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. متغیرها به معرف‌ها و سؤال‌های مناسب برگردانده شده و در قالب پرسش‌نامه تخصصی تنظیم شده است. از طریق مصاحبه با پاسخگویان اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری شد. این پرسش‌نامه که در مقیاس لیکرت نمره‌گذاری شد، میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران را ارزیابی نمود. برای بررسی روایی پرسش‌نامه‌ها از روایی صوری استفاده شد؛ بدین منظور پرسش‌نامه‌ها به تأیید متخصصین این حوزه رسید. همچنین پایایی پرسش‌نامه براساس آزمون آلفای کرونباخ (جدول «شماره ۱») مورد تأیید قرار گرفت:

جدول شماره ۱: ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه پژوهش برای سنجش متغیر وابسته

شاخص	مقدار آلفا	تعداد گویه‌های حذف شده	تعداد گویه‌های تصحیح شده
سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین	۰/۶۹	----	----
عدم پای بندی زوجین به تعهدات زناشویی	۰/۷۶	۱ مورد	----
سردی روابط بین زوجین	۰/۸۶	----	----
گرایش‌های انزواجویانه زوجین	۰/۶۵	----	۱ مورد
بی‌اعتمادی زناشویی زوجین	۰/۸۷	۱ مورد	----
آلفای کلی	۰/۷۵	۲ مورد	۱ مورد

۳-۲. مقیاس پایگاه اقتصادی- اجتماعی نام پاورز

نمره به دست آمده در مقیاس پایگاه اقتصادی- اجتماعی نام پاورز اندازه‌ای چند گویه‌ای است که حاصل میانگین‌گیری از نمرات گویه‌های جزئی شغل، تحصیلات و درآمد خانواده است. در این پژوهش سه مؤلفه اساسی درآمد، شغل و تحصیلات برای پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده‌ها در نظر گرفته شد. برای این کار پس از دسته‌بندی درآمد به سه دسته درآمد کمتر از یک میلیون تومان (درآمد کم)، بین یک میلیون تومان تا دو میلیون تومان (درآمد متوسط) و بالاتر از دو میلیون تومان (درآمد بالا) تقسیم شد. آنگاه درآمد با ضریب ۳، شغل با ضریب ۲ و تحصیلات با ضریب ۱ تأثیر داده شد و در آخر سه طبقه اجتماعی به دست آمد.

روایی و پایایی پرسش‌نامه توسط اعتبار صوری و آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. به طوری که برای تعیین روایی صوری و محتوایی مقیاس پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاورز، پرسش‌نامه به تایید ۳ تن از اساتید جامعه‌شناسی رسید. و پایایی مقیاس نیز $(\alpha = 0.79)$ به دست آمد که بیانگر پایایی خوب آن است.

۳-۴. متغیرهای پژوهش

۳-۴-۱. متغیر مستقل: شبکه‌های اجتماعی مجازی

شبکه‌های اجتماعی مجازی سرویس‌های مبتنی بر وب هستند. سرویس آنلاین، پلتفرم یا سایتی است که افراد می‌توانند در آن محتوای مورد نظرشان را تولید کنند و با دیگران به اشتراک بگذارند. (کفاشی، ۱۳۸۸) در این پژوهش برای سنجش متغیر مستقل از سه شاخص استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، نوع استفاده و متوسط زمانی که در شبانه روز صرف استفاده از این شبکه‌ها می‌شود، سنجیده شد.

۳-۴-۲. متغیر وابسته: تغییرات جاری در خانواده

تغییرات جاری در خانواده هرگونه تحولاتی است که نهاد خانواده در چند دهه اخیر در دو سطح عینی (ساختاری) و ذهنی (معنایی) تجربه کرده است. (محمدپور، ۱۳۸۶). در این تحقیق

تغییرات جاری خانواده در بین زوجین شهر تهران در شش بعد مورد بررسی قرار گرفت که عبارتند از:

اول) سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین

منظور از پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج برقرار گردیده، یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی را با یکدیگر مرتبط می‌سازد. سستی پیوندهای خویشاوندی زوجین را می‌توان به فرآیند کاهش ارتباطات خانوادگی زوجین اطلاق کرد. در پژوهش حاضر سستی پیوندهای خویشاوندی زوجین با شاخص‌هایی مثل ارتباط با اعضای خانواده پدری، فامیل درجه دو، فامیل درجه یک همسر، دوستان، دوستان همسر، همسایگان و سایر خویشاوندان مورد سنجش قرار گرفت.

دوم) عدم پابندی زوجین به تعهدات زناشویی

جانسون تعهدات زناشویی را سه نوع می‌داند: تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری. تعهد شخصی به معنی علاقه و تمایل فرد برای تداوم رابطه زناشویی است. تعهد اخلاقی بیانگر وفاداری اخلاقی فرد به تداوم رابطه است و تعهد ساختاری نیز به موانع و محدودیت‌های موجود در ترک یک رابطه و اجبار به تداوم آن رابطه اشاره دارد. (لمبرت، ۲۰۰۸) در پژوهش حاضر، برای تهیه گویه‌های مربوط به عدم پابندی به تعهدات زناشویی، از پرسش‌نامه تعهد زناشویی (DCI)^۱ کمک گرفته شد. پرسش‌نامه DCI در سال ۱۹۹۷ توسط آدامز و جونز با هدف سنجش تعهد زوجین نسبت به همسر و ازدواج ساخته شده است. بر اساس این پرسش‌نامه عدم پابندی زوجین به تعهدات زناشویی در ۳ بعد، تعهد شخصی، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری مورد سنجش قرار می‌گیرد.

سوم) سردی روابط بین زوجین

ارتباط زناشویی، فرآیندی است که طی آن زن و شوهر چه به صورت کلامی (در قالب گفتار و گوش دادن) و چه به صورت غیر کلامی (در قالب حالات چهره و روابط جنسی و جسمی) به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۷) و زمانی که تبادل افکار و احساسات بین زوجین متوقف شود، گفته می‌شود روابط زناشویی زوجین به سردی گراییده است.

1. Dimensions of Commitment Inventory

در پژوهش حاضر برای سنجش مفهوم سردی روابط زناشویی زوجین از شاخص‌هایی مثل «تا چه حد از اوقاتی که با همسرتان هستید، احساس شادمانی می‌کنید، تا چه حد شما و همسرتان به یکدیگر ابراز علاقه می‌کنید، تا چه حد در فضای خانواده شما احساس شادی و نشاط وجود دارد، تا چه حد از گذراندن اوقات فراغت با همسرتان در درون و بیرون خانه رضایت دارید، تا چه حد با همسرتان رابطه جنسی دارید، تا چه حد همسرتان به شما ابراز محبت می‌کند، تا چه حد با همسرتان گفت و گو و اختلاط می‌کنید، تا چه حد از زندگی زناشویی خود احساس رضایت مندی دارید؟» که در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

چهارم) گرایش‌های انزواجویانه زوجین

گرایش‌های انزواجویانه در واقع حالتی است که در آن فرد یا مجموعه‌ای از افراد به واسطه درکی که از شرایط محیط پیرامون خود دارند، تحت تأثیر انگیزه‌های متفاوت فردی و اجتماعی، ارتباط خود با پیرامون را قطع کرده و به صورت یک گروه در خود، به حیات ادامه می‌دهند. فردی منزوی است که از روابط و وابستگی‌های شخصی خود با دیگران ناراضی باشد و کسی را ندارد که برای مهرورزی به او تکیه کند. گرایش‌های انزواجویانه در نتیجه احساس عدم عضویت در یک گروه و نداشتن فعالیت‌های مشترک با دیگران ایجاد می‌شود. (کلینکه، ۱۳۸۴) انزوای اجتماعی واقعیتی است فکری که در آن فرد عدم تعلق و وابستگی و انفعال تامه‌ای را با ارزش‌های جامعه احساس می‌کند (محسنی تیریزی، ۱۳۸۱). انزوای اجتماعی معادل بیگانگی فرهنگی است و نشان می‌دهد که ایده و عقاید افراد درباره موضوعات مهم تا چه حد با ایده و عقاید دوستان، خویشاوندان، هم‌کیشان و به طور کلی هموطنان آنان تفاوت دارد (کوهن، ۱۹۷۶). در پژوهش حاضر به منظور تهیه گویه‌های مربوط به سنجش گرایش‌های انزواجویانه زوجین از پرسش‌نامه انزوای اجتماعی (UCLA) راسل که شامل سه بعد روابط خویشان، روابط دوستان و روابط همسایگان است، کمک گرفته شد.

پنجم) بی‌اعتمادی زناشویی زوجین

اعتماد در زبان فارسی مترادف با تکیه کردن و گذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد به کار گرفته می‌شود. (معین، ۱۳۷۶) منظور از اعتماد زناشویی، میزان اطمینانی است

که فرد هنگام فکر کردن به رابطه زناشویی اش احساس می‌کند و بی‌اعتمادی زناشویی زوجین، بیانگر سوءظن زوجین نسبت به همدیگر است. برای تهیه گویه‌های مربوط به سنجش «بی‌اعتمادی زناشویی زوجین» از شاخص‌های صداقت، صراحت، وفاداری، حسن ظن، احساس امنیت و احساس رضایت عاطفی استفاده شد.

ششم) پایگاه اقتصادی- اجتماعی

طبق تئوری پیترزسی و رابرت چین موقعیت‌های اجتماعی به جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در ساختار مرتبه‌ای اجتماعی یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر احراز می‌کند. پایگاه و موقعیت اجتماعی فرد، حقوق و مزایای شخص را تعیین می‌کند. (وثوقی، و نیک‌خلق، ۱۳۸۶؛ کوئن، ۱۳۸۱) در پژوهش حاضر برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی، ملاک‌ها و شاخص‌های متفاوتی در نظر گرفته شد. برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی آزمودنی‌ها از مقیاس پایگاه اقتصادی- اجتماعی نام‌پاورز استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آزمون فرضیه‌های پژوهش

۴-۱-۱. تغییرات جاری در حوزه خانواده در بین زوجین منطقه یک شهر تهران بر حسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی آنان متفاوت است.

ابتدا برای به دست آوردن تحلیل واریانس یک طرفه از رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و تغییرات جاری در حوزه خانواده، پایگاه اجتماعی و اقتصادی به سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. سپس برای آزمون فرضیه از تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد.

جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی و تحلیل واریانس تغییرات جاری در حوزه خانواده

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
.۰۰۰۰	۵۰/۷۴۴	۱/۶۵۹۳۸	۳/۴۷۵۴	۶۱	بالا
		۱/۶۷۵۵۴	۲/۹۷۶۲	۱۲۶	متوسط
		۱/۳۰۸۵۳	۱/۶۷۱۴	۲۱۳	پایین

جدول «شماره ۲» توزیع فراوانی بر حسب پایگاه اجتماعی- اقتصادی را نشان می‌دهد. با توجه به داده‌های این جدول فرض صفر رد شد؛ یعنی بین میانگین تغییرات جاری در

حوزه خانواده گروه‌های مختلف تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر حداقل میانگین متغیر تغییرات جاری در حوزه خانواده یکی از گروه‌ها با بقیه تفاوت معنی داری دارد. بنابراین، برای قضاوت بیشتر از آزمون مقایسه زوجی (LSD) استفاده شد.

جدول شماره ۳: آزمون (LSD) برای مقایسه میانگین تغییرات جاری در حوزه خانواده بر حسب پایگاه

اجتماعی زوجین

گروه‌های مورد بررسی	تفاوت میانگین	سطح معنی داری
بالا	۰/۴۹۹۲۲	۰/۰۳۲
متوسط	۱/۸۰۴۰۵	۰/۰۰۰
پایین		
متوسط	-۰/۴۹۹۲۲	۰/۰۳۲
بالا	۱/۳۰۴۸۳	/۰۰۰
پایین		
پایین	-۱/۸۰۴۰۵	۰/۰۰۰
متوسط	-۱/۳۰۴۸۳	۰/۰۰۰
بالا		

در جدول «شماره ۳» میانگین متغیر تغییرات جاری در حوزه خانواده، در سه گروه مقایسه شده است. با توجه به این جدول اختلاف میانگین گروه اول (پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا) ۴۹٪ بیشتر از میانگین گروه دوم (پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط) است. بنابراین، می‌توان گفت که بین میانگین این دو گروه اختلاف معنی داری وجود دارد و تغییرات جاری در حوزه خانواده در بین پاسخ‌گویانی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند، بیشتر از پاسخ‌گویانی است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایینی دارند. همچنین اختلاف میانگین متغیر تغییرات جاری خانواده در گروه اول با میانگین متغیر تغییرات جاری خانواده در گروه سوم نشان می‌دهد که میانگین گروه اول ۱/۸٪ بیشتر از میانگین گروه سوم است. بنابراین، تغییرات جاری در حوزه خانواده در بین پاسخ‌گویانی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند، بیشتر از پاسخ‌گویانی است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسطی دارند. همچنین اختلاف میانگین متغیر تغییرات جاری خانواده در گروه دوم با میانگین متغیر تغییرات جاری خانواده در گروه سوم مقایسه شده است که نشان می‌دهد میانگین گروه دوم ۱/۳۰٪ بیشتر از میانگین گروه سوم است. بر این اساس،

بین میانگین این دو گروه اختلاف معنی داری وجود دارد و تغییرات جاری خانواده در بین پاسخ‌گویانی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسطی دارند، بیشتر از پاسخ‌گویانی است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایینی دارند.

۲-۱-۴. تغییرات جاری در حوزه خانواده در بین زوجین منطقه یک شهر تهران بر حسب جنسیت آنان متفاوت است.

جدول شماره ۴: آماره‌های توصیفی مقایسه میانگین‌ها تغییرات جاری خانواده بر حسب جنسیت

تغییرات جاری در خانواده		تعداد	
انحراف معیار	میانگین		
۱/۶۹۰۲۸	۲/۳۳۵۰	۲۰۰	زن
۱/۶۳۹۸۳	۲/۳۸۰۰	۲۰۰	مرد

آزمون t دو گروه مستقل برای تفاوت میانگین‌ها

آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	کران پایین	کران بالا
-۰/۲۷۰	۳۸۲	۰/۷۸۷	-۰/۰۴۵۰۰	-۰/۳۲۲۳۸	-۰/۲۸۲۳۸

به منظور مقایسه بین تغییرات جاری در حوزه خانواده بر حسب جنسیت از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول «شماره ۴» نشان داده شده است. با توجه به نتایج این جدول و سطح معناداری به دست آمده (۰/۸۷۸) و اختلاف در میانگین‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بین سطوح تغییرات جاری خانواده بر حسب جنسیت زوجین، اختلاف معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه مورد نظر تأیید نشد.

۳-۱-۴. بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری خانواده در بین زوجین منطقه یک شهر تهران (سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین، عدم پایداری زوجین به تعهدات زناشویی، سردی روابط بین زوجین، گرایش‌های انزواجویانه زوجین، بی‌اعتمادی زناشویی زوجین)، رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول شماره ۵: رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با تغییرات جاری خانواده و ابعاد آن

تعداد نمونه	استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی		متغیر
۴۰۰	$r = ۰/۷۹$	ضریب همبستگی	تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	
۴۰۰	$r = ۰/۳۵$	ضریب همبستگی	سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	
۴۰۰	$r = ۰/۶۱$	ضریب همبستگی	عدم پابندی زوجین به تعهدات زناشویی
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	
۴۰۰	$r = ۰/۴۴$	ضریب همبستگی	سردی روابط زناشویی زوجین
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	
۴۰۰	$r = ۰/۳۸$	ضریب همبستگی	گرایش‌های انزواجویانه زوجین
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	
۴۰۰	$r = ۰/۴۵$	ضریب همبستگی	بی‌اعتمادی زناشویی زوجین
	$sig = ۰/۰۰۰$	سطح معنی داری	

همان‌طور که جدول «شماره ۵» نشان می‌دهد، رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین در سطح اطمینان ۹۹٪ و ضریب همبستگی پیرسون ($r = ۰/۳۵$) معنی‌دار است. بنابراین، همبستگی مثبت، با شدت متوسط و با جهت مستقیم بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، پیوندهای خویشاوندی زوجین سست‌تر می‌شود. همچنین رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و عدم پابندی زوجین به تعهدات زناشویی در سطح اطمینان ۹۹٪ و ضریب همبستگی پیرسون ($r = ۰/۶۱$) معنی‌دار است که نشان می‌دهد زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند، پابندی کمتری به تعهدات زناشویی دارند.

ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط زناشویی زوجین نیز نشان می‌دهد که بین دو متغیر در سطح معنی داری

۹۹٪ با ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/44$) رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد که نشان دهنده این مطلب است که هر چه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، سردی روابط بین زوجین نیز بیشتر می‌شود.

رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش‌های انزواجویانه زوجین نیز در سطح اطمینان ۹۹٪ و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/39$) معنی دار شد که هر چه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، گرایش‌های انزواجویانه زوجین نیز بیشتر می‌شود. سرانجام اینکه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با بی‌اعتمادی زناشویی زوجین هم در سطح اطمینان ۹۹٪ و ضریب همبستگی پیرسون ($r = 0/45$) رابطه مثبت دارد؛ یعنی هر چه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر باشد، بی‌اعتمادی زناشویی زوجین نیز بیشتر می‌شود.

۴-۱-۵. متغیرهای مستقل زمینه‌ای (پایگاه اقتصادی- اجتماعی) و متغیرهای مستقل اصلی (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی مثل تلگرام، اینستاگرام، لاین، تانگو، وایبر، فیسبوک، واتس‌آپ، گوگل پلاس، بی‌تالک، ایمو، اسکایپ) بر متغیر وابسته (تغییرات جاری خانواده در بین زوجین منطقه یک شهر تهران) تأثیر معناداری دارد.

به منظور تحلیل نقش متغیرهای مستقل بر روی تغییرات جاری در حوزه خانواده از روش رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد. برای مقایسه نقش متغیرهای مستقل موجود در مدل رگرسیون بر روی متغیر وابسته از ضرایب استاندارد شده (Beta) استفاده شد.

جدول شماره ۶: یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه توأم

ردیف	متغیر مستقل	ضرایب غیر استاندارد	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد	سطح معناداری
۱	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی X _۱	۰/۵۱۳	۰/۰۹۵	۰/۴۱۵	۰/۰۰۰
۲	پایگاه اجتماعی و اقتصادی X _۲	۰/۲۸۳	۰/۱۳۹	۰/۱۳۲	۰/۰۴۳

$$R = 0/801 \quad R^2 = 0/641 \quad \text{Adj}R^2 = 0/632 \quad F = 13/916 \quad \text{Sig} F = 0/000$$

جدول «شماره ۶» یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه توأم را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج به دست آمده، میزان ضریب تعیین تعدیل شده برای مدل برابر

۰/۶۴۱ است، پس ۱/۶۴٪ از تغییرات متغیر معیار را می‌توان با رابطه خطی آن با متغیرهای پیش‌بین، تعیین نمود.

مقدار «p» به دست آمده برای آزمون F کوچک‌تر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر مبنی بر ناهمبسته بودن متغیر معیار (تغییرات در حوزه خانواده) و متغیرهای پیش‌بین (متغیرهای مستقل) رد می‌شود. از این رو، متغیر معیار و متغیرهای پیش‌بین همبسته هستند. با توجه به علامت مثبت در ضریب همبستگی رگرسیون، بین متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (متغیرهای مستقل) و تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران (متغیر وابسته) رابطه مستقیمی وجود دارد. بدین معنا که با افزایش پایگاه اقتصادی-اجتماعی زوجین و افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، تغییرات در خانواده‌ها بیشتر می‌شود و برعکس.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل که با متغیر وابسته رابطه داشت، متغیرهای «میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی» نقش معناداری بر متغیر وابسته داشتند و به طور تعاملی ۱/۶۴٪ از تغییرات متغیر وابسته (تغییرات در حوزه خانواده) را تبیین می‌کنند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل‌های جامعه‌شناختی و پژوهش‌های تجربی بیانگر این است که با ورود عناصر مدرنیته به زندگی، خانواده در معرض تغییر و تحولات شگرفی قرار گرفته است. شبکه‌های اجتماعی مجازی در جایگاه یکی از مهم‌ترین این ابزارها، با قابلیت‌ها و امکانات خود تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های اجتماعی کاربران در جوامع گوناگون گذارده است. به نظر برخی از متخصصان، این شبکه‌های اجتماعی مجازی تجلی زندگی دوم انسان است. استفاده روزافزون کاربران ایرانی به ویژه زوجین از شبکه‌های اجتماعی مجازی مسئله‌ای بدیهی است و به طور گریز ناپذیری، زوجین در مواجهه با اینترنت و فضای مجازی تأثیرپذیری زیادی دارند و این تأثیرپذیری بر جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی آنها اثر سوء گذاشته است که نتایج پژوهش

حاضر نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

به منظور تبیین رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران، پژوهش حاضر بر روی ۴۰۰ نفر از زوجین منطقه یک شهر تهران انجام شد. نتایج این پژوهش، نشان داد که هر چه میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی افزایش یابد، پیوندهای خویشاوندی زوجین سست می‌شود، پایبندی زوجین به تعهدات زناشویی کاهش می‌یابد، روابط زناشویی زوجین سرد می‌شود، اعتماد زناشویی زوجین کاهش پیدا می‌کند، احساس شک و بدبینی به یکدیگر افزایش می‌یابد، گرایش‌های انزواجویانه زوجین افزایش می‌یابد، همیاری و مشارکت در خانواده رنگ می‌بازد، احساس رضایت از زندگی زناشویی کم‌رنگ می‌شود و در نهایت، زمینه برای تغییر و تحولات خانواده و در نتیجه از هم‌گسیختگی خانوادگی فراهم می‌شود.

با توجه به نتایج به دست آمده، مشخص شد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی از عوامل اصلی سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین می‌باشد که این نتیجه مطابق با یافته‌های علی احمدی (۱۳۸۹) است. دی فلور و بال روکیچ نیز معتقدند که با وابستگی به اینترنت، فرصت کمتری برای پرداختن به خانواده وجود دارد و این ممکن است سبب کم اهمیت شدن خانواده نزد کاربر و در نتیجه، کاهش روابط خانوادگی شود. زیگمونت باومن نیز استدلال می‌کند که تعامل‌های مجازی، در نهایت به انزوای اجتماعی و کاهش تمایل‌های کاربر در دنیای واقعی منجر می‌شود و استفاده بیشتر از اینترنت سبب کاهش ارتباط‌های اجتماعی به ویژه ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده و دوستان می‌گردد. همچنین مطابق با نظریه والد‌ها و کلاپر می‌توان گفت که هر چه زوجین از شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشتر استفاده کنند، ارتباط کمتری با خانواده خواهند داشت. (کفاشی، ۱۳۸۸)

در پژوهش حاضر، رابطه بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و عدم پایبندی زوجین به تعهدات زناشویی نیز معنادار شد. بنابراین، شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش بسیار مهمی در کاهش تعهدات زناشویی زوجین دارد، به طوری که پرسه زنی زوجین در شبکه‌های مجازی آنان را از مهم‌ترین مسئولیت زناشویی غافل می‌کند و آنان را به دنیای

جدیدی با قابلیت‌های نامحدود وارد می‌کند. از نظر کاستلر، به دلیل گسترش روزافزون ارزش‌های مدرن ارزش‌های زوجین مدام در حال تغییر است و امکان تعامل بین دو جنس از طریق فضای مجازی افزایش یافته است و این امر سبب شده است که زوجین از مهم‌ترین تعهدات مربوط به زناشویی غافل شوند. (کاستلر، ۱۳۸۰)

بر اساس نتایج پژوهش، ارتباط بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سردی روابط بین زوجین نیز مورد تأیید قرار گرفته است. در حقیقت گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و درگیری بیش از حد زوجین در فضای مجازی، سبب غفلت آنان از مهم‌ترین وظایف زناشویی می‌شود. یافته‌های پژوهش عرب‌انصاری، رضانی و صالحی (۱۳۹۳) نیز حاکی از آن است که حضور و تعامل در شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث سردی روابط زناشویی زوجین می‌شود. بر این اساس، گرایش زوجین به شبکه‌های اجتماعی مجازی و استفاده بیش از حد از محتوای فضای سایبری با احساس تنهایی خانوادگی و خلاء عاطفی همراه است. زوجینی که بیش از پنج ساعت بر روی این شبکه‌ها وقت می‌گذارند و به اصلی‌ترین نیاز همسر خود که نیاز عاطفی است، توجه نمی‌کنند، زمینه اختلاف در روابط زناشویی و در نتیجه سردی روابط زناشویی را فراهم می‌کنند.

بعد از انجام آزمون آماری در پژوهش حاضر، مشخص شد که بین گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش‌های انزواجویانه زوجین رابطه معنادار وجود دارد. در این رابطه مطابق با دیدگاه پاتنام می‌توان گفت که تغییرات و رشد روزافزون تکنولوژی و فن‌آوری رسانه‌ها عامل انزوای اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی است. به عقیده وی فن‌آوری نقش اساسی در خصوصی شدن فزاینده تجربه دارد که به سهم خود به شکل‌گیری جامعه‌ای متفرق و بی‌سامان منجر می‌شود. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش همبستگی مثبت بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و بی‌اعتمادی زناشویی زوجین را نشان داد. همچنین مقدار آزمون T نشان داد که بی‌اعتمادی زناشویی زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند از زوجینی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند، بیشتر است. به باور گیدنز مکان و پیوندهای خویشاوندی که در شرایط مدرنیته تحلیل رفته‌اند، دیگر نمی‌توانند به میزان گذشته زمینه اعتماد و روابط

صمیمانه را در بین زوجین فراهم کنند (گیدنز، ۱۳۸۳).

در پژوهش حاضر، همچنین بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین و تغییرات جاری خانواده تفاوت معناداری مشاهده شد؛ یعنی با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین، تغییرات در روابط زناشویی نیز بیشتر می شود و بالعکس. می توان گفت: زوجینی که پایگاهی بالاتر دارند، دسترسی آنها به منابع و امکانات نیز بیشتر است. بر این اساس این رسانه ها برای همه افراد به صورت یکسان قابل دسترسی نیست و برخی محدودیت های مالی، فرهنگی اجتماعی، مذهبی و... مانع دستیابی افراد به این امکانات به صورت یکسان می شود. در نتیجه، خواسته ها و نگرش های زوجینی که روزانه ساعات بسیاری را برای دریافت حجم وسیعی از پیام ها و القائنات شبکه های اجتماعی مجازی مختلف می گذرانند با خواسته ها و نگرش های زوجینی که به شبکه های اجتماعی مجازی دسترسی ندارند، تفاوت های چشمگیری دارد.

بدین ترتیب یافته های تجربی تأییدی است بر این استدلال نظری که زوجینی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند و در معرض پیام ها و محتوای این شبکه ها قرار دارند، بیشتر از زوجینی که هیچ گونه استفاده ای از شبکه های اجتماعی مجازی ندارند، روابط زناشویی شان دچار تغییر و تحول می شود. به طور کلی نتایج پژوهش نشان می دهد که جامعه مورد مطالعه دچار اختلال هنجاری^۱ (آنومی) است و ضرورت مدیریت تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه مورد مطالعه احساس می شود.

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، برای بهبود و ارتقای سطح کیفی زندگی زوجین، پیشنهاد می شود که با توجه به سست شدن پیوندهای خویشاوندی زوجین که از گرایش به شبکه های اجتماعی مجازی تأثیر می پذیرد، خانه های سلامت و سراهای محلات با بهره گیری از مشاوران و متخصصان حوزه خانواده و ازدواج مددجسته و به برگزاری کلاس ها، کارگاه ها و دوره های آموزشی برای افزایش تعهدات زناشویی زوجین اقدام کنند. افزایش سواد رسانه ای زوجین در برخورد با محتوا و مطالب شبکه های اجتماعی مجازی سبب افزایش استفاده درست و ارزشی از تکنولوژی های نوین می شود. همچنین برنامه ریزی فرهنگی بر

روی نهاد خانواده برای کنترل و جهت‌دهی شیوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند در ترویج فرهنگ صحیح استفاده از این رسانه‌های نوظهور مؤثر باشد. عرضه محصولات فرهنگی و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها از طریق نهادهای فرهنگی مانند ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ورزش و جوانان، معاونت اجتماعی- فرهنگی شهرداری، سراهای محلات و ... می‌تواند سواد رسانه‌ای خانواده‌ها را گسترش دهد و شرایطی فراهم کند که زوجین با خیالی آسوده بتوانند از رسانه‌های جدید ارتباطی استفاده کنند و از گزندهای آن نیز در امان باشند. همچنین برنامه‌ریزی کلان برای حل مسائل خانواده برای بالا بردن تفاهم و سازگاری زناشویی از طریق آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و در نتیجه کاهش میزان طلاق عاطفی نیز در این زمینه تأثیرگذار خواهد بود.

همچنین با افزایش آگاهی‌های عمومی (به ویژه توسط صدا و سیما)، تقویت تفکر انتقادی و رشد تعهد اجتماعی، افراد می‌آموزند که هنگام رویارویی با دنیا‌های فرهنگی- اجتماعی جدید به شکلی منفعلانه از آن تأثیر نپذیرند. به این ترتیب می‌توان ضریب آسیب‌پذیری زوجین را در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی کاهش داد.

فهرست منابع

۱. آزادارمکی، تقی، و امامی، یحیی (۱۳۸۳). تکوین حوزه عمومی و گفت و گوی عقلانی. نشریه جامعه‌شناسی ایران، ۵۱(۵)، ۵۸-۸۹.
۲. آزادارمکی، تقی، و شکوری، علی (۱۳۸۱). مدرنیته و خانواده تهرانی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۳۰، ۳۱ (۲)، ۲۴۵-۲۶۸.
۳. بزرگ، بیتر (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت. مترجم: مجیدی، فریبرز. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۴. تامپسون، جان بروکسایر (۱۳۸۰). نظریه اجتماعی رسانه‌ها. مترجم: اوحدی، مسعود. تهران: سروش.
۵. دوران، بهزاد (۱۳۸۱). هویت خانوادگی و تعامل در فضای سایبرنتیک. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۹(۹)، ۸۹-۱۲۸.
۶. ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۳). جوانان و فراغت مجازی. نشریه مطالعات جوانان، ۳(۳)، ۱-۲۵.
۷. ریاحی، محمد اسماعیل، و همکاران (۱۳۸۶). بررسی میزان رضایتمندی از رابطه زناشویی در زنان مراجع‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر اراک. نشریه حیات، ۱۹(۹)، ۲۷-۵۳.
۸. ساروخانی، یاقق، و شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی ارتباطات در جهان معاصر. تهران: بهمن برنا.
۹. عاملی، سعید رضا (۱۳۸۸). شبکه‌های علمی مجازی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۰. عرب‌انصاری، مهدی، و رضانی، حسن، و صالحی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در فروپاشی بنیان خانواده. نشریه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، ۳۱(۹)، ۱۳۶-۱۵۹.
۱۱. علی احمدی، امید (۱۳۸۹). تحولات معاصر خانواده در شهر تهران. تهران: نشر شهر.
۱۲. قاراخانی، معصومه (۱۳۹۴). شاخص‌های سنجش وضعیت خانواده، مبنایی برای سیاست‌گذاری اجتماعی. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، ۲(۲۲)، ۱۲۵-۱۵۰.
۱۳. کفاشی، مجید (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده. نشریه پژوهش اجتماعی، ۳(۲)، ۵۵-۷۶.

۱۴. کلینکه، کریس. ال (۱۳۸۴). *مهارت های زندگی*. مترجم: محمدخانی، شهرام. تهران: انتشارات شهرآب.
۱۵. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات - ظهور جامعه شبکه ای*. تهران: طرح نو.
۱۶. کوهن، آرتور (۱۳۸۱). *تغییرنگرش و تأثیر اجتماعی*. مترجم: کلدی، علیرضا. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۱۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). *جامعه شناسی*. مترجم: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.
۱۸. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱). *آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه های دولتی تهران*. نشریه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۲۶(۷)، ۱۱۹-۱۸۲.
۱۹. محمدپور، احمد (۱۳۸۶). *بررسی معنایی توسعه و تغییرات اجتماعی در منطقه اورامان*. پایان نامه دکتری جامعه شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی. دانشگاه شیراز.
۲۰. معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۱. نوایی نژاد، شکوه (۱۳۷۷). *ویژگی ها و شرایط لازم دختر و پسر برای ازدواج، جوان و تشکیل خانواده*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۲۲. وثوقی، منصور، نیک خلق، علی اکبر (۱۳۸۶). *مبانی جامعه شناسی*. تهران: بهینه.
۲۳. ولمن، بری، کوان هاس، آنتونی (۱۳۸۵). *شبکه های اجتماعی، مشارکت و تعهد اجتماعی*. مترجم: فلاح آزاد، شیرزاد. تهران: فرهنگ و فناوری.
۲۴. ویندال، سون (۱۳۷۶). *کاربرد نظریه های ارتباطات*. مترجم: دهقان، علیرضا. تهران: مرکز مطالعات تحقیقات و رسانه ها.
25. Castells, Manuel (2007). Communication, Power and Counter-power in the Network Society. *International Journal of Communication*, 1(-), 238-266.
26. Kohn, M. L. (1976). Occupational structure and alienation. *Ads*, 1(82), 89-101.
27. Kraut, R, Lundmark, v, Patterson, M, Kislser, S, and Mukapadhyay, T. (1998). *Internet paradox: A social technology that reduces social involvement and psychological well-being? American Psychologist*, 53(-), 1017-1031.
28. Lambert, N. M. and Dollahite, D. C. (2008). The Threefold Cord: Marital Commitment in Religious Couples. *Journal of Family Issues*, 5(29), 541-549.